

راهبرد

کار شیطان اغوا کردن است

آینده جبهه باطل



۱۶ تیر ماه ۹۳

بیانات مقام معظم رهبری در جمع کارگزاران نظام

مبانی تقابل جبهه حق و جبهه باطل + چند نکته



بادقت بخوانید...



اشاره:

این جزوه سخنرانی مورخ ۱۶ تیرماه ۹۳ در جمع کارگزاران نظام می باشد که به صورت ذیل تقدیم حضورتان می شود. متن اصلی این جزوه عیناً از تارنمای دفتر مقام معظم رهبری گرفته شده است. و هیچ گونه دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته است. فقط برای خوانش بهتر و مفیدتر به آن تیترها و سوتیتربهایی اضافه گردیده است. ضمناً عناوین جزوات قبلی "ترسیم جبهه حق و جبهه باطل"، "راهبرد آینده جبهه حق" می باشد علاقه مندان می توانند جهت دریافت این جزوات به نشانی ذکر شده در این جزوه مراجعه نمایند.

vareseen.ir

فهرست :

ماه مبارک / ۳

اینکه ما از جهنم به بهشت برویم، دست خود ما است / ۳

دعا، دعا، دعا / ۳

دو فقره از دعاهای این ماه برای نیاز امروز من و شما / ۳

فقره اول / ۴

فقره دوم / ۴

احتیاج به این دعاها از دو منظر / ۴

ماه تقابل شیطان و تقوا / ۵

کار شیطان اغوا کردن است / ۵

راه های تاثیر شیطان بر دستگاه محاسبه ی ما / ۵

الف) ترس / ۵

ب) تطمیع / ۶

مثل آمریکا / ۶

یکی از بزرگترین خطر ها / ۶

یک خطای بزرگ محاسباتی / ۶

یکی از برجسته ترین مقاطع تاریخی / ۷

سنت الهی / ۷

جمهوری اسلامی کلمه طیبه / ۷

عمده ی حرف من / ۸

ترسیم نبرد تاریخی جبهه حق و جبهه باطل / ۸

راهبرد آینده جبهه باطل / ۸

تحریم و تهدید نظامی؛ دو عامل مورد استفاده

جبهه استکبار / ۸

علاج تحریم / ۸

علاج تهدید نظامی / ۹

دلیل بی اعتباری تهدید نظامی / ۹

نتیجه(اصل صحبت اینجاست) / ۱۰

عناصر محاسباتی جمهوری اسلامی / ۱۱

از موارد اعتماد به خدا اعتماد به مردم است / ۱۱

استقلال / ۱۱

اسم اسلام مایه دشمنی با جمهوری اسلامی نیست / ۱۱

مسئله مسئله ی جمهوری اسلامی است / ۱۲

چند توصیه / ۱۲

۱. باید قوی باشید / ۱۲

عناصر قوت چیست؟ / ۱۳

۲. کار، کار، کار / ۱۳

۳. حرکت براساس اصول انقلاب / ۱۳

۴. همگرایی / ۱۳

توصیه ی مخصوص دولت / ۱۳

۱. بنده دولت را حمایت می کنم / ۱۳

۲. اقتصاد مقاومتی را جدی بگیرید / ۱۴

توصیه هایی در باب اقتصاد مقاومتی / ۱۴

بانک ها / ۱۴

صنعت و معدن / ۱۴

کشاورزی / ۱۴

۳. اعتدال / ۱۵

اعتدال چیست؟ / ۱۵

یک سفارش به جریان های سیاسی و

مطبوعاتی / ۱۵

مسئله حساس هسته ای / ۱۵

نیاز کشور باید تامین شود / ۱۵

ظرفیت غنی سازی / ۱۶

تحقیق و توسعه / ۱۶

عراق و فتنه / ۱۷

پروردگار!... / ۱۷

پاورقی / ۱۸

سلسله جزوات سراج / ۱۸

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اولاً خوشامد عرض میکنم به یکایک برادران و خواهران، مسئولان عزیز و متعهد نظام جمهوری اسلامی. بسیار جلسه خوبی است و ان شاء الله مشحون از برکات الهی و هدایت الهی و نورانیت این ماه خواهد بود. بیانات جناب آقای رئیس جمهور (۱) هم بیانات بسیار خوب و شافی و وافی (۲) بود. آنچه نیت و همت مسئولان کشور است، امیدواریم به برکت این ماه و به برکت ادعیهی زاکیهی صالحان و مؤمنان و صائمان (۳) به نتایج مورد نظر مسئولان عزیز ما برسد.

ماه مبارک

ماه رمضان را "مبارک" نامیده اند؛ علّت مبارک بودن این ماه، این است که راه نجات از آتش و فوز به جَنّت است، که در دعای روز ماه رمضان [میخوانیم]: وَ هَذَا شَهْرُ الْعَتَقِ مِنَ النَّارِ وَ الْقَوْزِ بِالْجَنَّةِ. (۴) آتش و دوزخ الهی و همچنین بهشت و نعیم الهی در همین دنیا موجود است. آنچه در نشئهی آخرت تحقق پیدا میکند، باطن همان چیزی است که در اینجا است: "وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ" (۵)؛ جهنّم در همین جا، در همین نشئه، در همین زندگی، کافران و ظالمان و معاندان و مخالفان را احاطه کرده است؛ بهشت هم همین جور.

اینکه ما از جهنّم به بهشت برویم، دست خود ما است

اینکه ما از جهنّم به بهشت برویم، دست خود ما است؛ در همین جا تحقق عینی و باطنی و واقعی آن در آن نشئه دیده میشود.

اینکه ما از جهنّم به بهشت برویم، دست خود ما است؛ در همین جا تحقق پیدا میکند و صورت عینی و باطنی و واقعی آن در آن نشئه دیده میشود. ما میتوانیم این سفر را، این سیر از دوزخ بدکرداری، دوزخ بدلی، دوزخ بداندیشی، از این دوزخ که مال این دنیا است را به بهشت نیک کرداری، به بهشت نیک اندیشی و نیک رفتاری و نیک خویی انجام بدهیم؛ اسم این حرکت "انابه" است، "توبه" است. لذا در دعا وارد شده است: وَ هَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ (۶)؛ با انابه، با توبه، عِتق (۷) از نار و فوز به جَنّت حاصل خواهد شد.

دعا، دعا، دعا

این دعاها، هم کیفیت سخن گفتن با خدا و استعانت از پروردگار و توجه به خدا را به ما تعلیم میدهد، هم معارف بسیاری را که نظیر آن را انسان حتّی در روایات متعارف اخلاقی پیدا نمیکند، به ما تعلیم میدهند.

یکی از برکات ماه مبارک رمضان دعاهاهی است که در این ماه وارد شده است. این دعاها، هم کیفیت سخن گفتن با خدا و استعانت از پروردگار و توجه به خدا را به ما تعلیم میدهد، هم معارف بسیاری را که نظیر آن را انسان حتّی در روایات متعارف اخلاقی پیدا نمیکند، به ما تعلیم میدهند.

دو فقره از دعاهای این ماه برای نیاز امروز من و شما

من دو فقره از دعاهای این ماه را انتخاب کرده ام که اینجا در آغاز عرایض عرض کنم. انتخاب این دو فقره هم به خاطر نیاز امروز من و شما است؛ ما امروز به عنوان مسئولان کشور عزیزمان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی، احتیاج مبرمی داریم به کار جدّی و پیگیر و همراه با صفا و اخلاص؛ این دعاها ما را به این سمت حرکت میدهد.

فقره اول

یک دعا، دعای روز اول ماه مبارک رمضان است که من از این فقره را انتخاب کرده‌ام: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَوَىٰ فَعَمِلَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فَكْسَلٌ وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَىٰ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّمُ»؛ (۸) سه جمله است. جمله اول عرض میکند: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَوَىٰ فَعَمِلَ؛ پروردگارا! ما را از کسانی قرار بده که با نیت، با قصد، با معرفت عمل انجام میدهند؛ عمل هدفدار، عمل همراه با نیت، عملی که از پیش معلوم است که در چه جهتی و به سمت چه مقصدی است. جمله دوم: «وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فَكْسَلٌ»؛ ما را از آن تیره‌روزانی قرار نده که دچار تنبلی و بیکارگی هستند. کسالت یعنی تنبلی، یعنی بیکارگی؛ ما را از اینها قرار نده. دعا این را به ما تعلیم میدهد. جمله سوم: «وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَىٰ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّمُ»؛ ما را از کسانی قرار نده که تکیه‌شان به چیزی غیر از عمل است. نشستن و آرزو کردن و حرفی کردن و بافتن مطالبی به یکدیگر در جلسات، بدون اینکه عملی به دنبال آن باشد؛ ما را از اینها قرار نده. ببینید درس موجود در این دعا این است. مؤمن در روز اول ماه رمضان با این نفس وارد این ضیافت الهی میشود. خود این یکی از مائده‌های بزرگ این ضیافت است. این یک دعا.

فقره دوم

پروردگارا! ما را از کسانی

قرار بده که با نیت، با

قصد، با معرفت عمل

انجام میدهند؛ عمل

هدفدار، عمل همراه با

نیت، عملی که از پیش

معلوم است که در چه

جهتی و به سمت چه

مقصدی است. ما را از آن

تیره‌روزانی قرار نده که

دچار تنبلی و بیکارگی

هستند. کسالت یعنی

تنبلی، یعنی بیکارگی؛ ما را

از اینها قرار نده. ما را از

کسانی قرار نده که

تکیه‌شان به چیزی غیر از

عمل است. نشستن و

آرزو کردن و حرفی کردن

و بافتن مطالبی به یکدیگر

در جلسات، بدون اینکه

عملی به دنبال آن باشد.

دعای دوم، دعای هرروز ماه مبارک است؛ در این دعا عرض میکند: وَ أَذْهَبَ عَنِّي الْتَعَاسُ وَ الْكَسَلُ وَ السَّامَةُ وَ الْفَتْرَةُ وَ الْقَسْوَةُ وَ الْغَفْلَةُ وَ الْغِرَّةُ (۹) پروردگارا! من را از این خصلتها و از این خصوصیات برکنار بدار؛ این خصوصیات اینها است: اول «التعاس»، خواب‌آلودگی؛ دوم «الکسل»، یعنی همان بیکارگی و تنبلی؛ سوم «السامة»، ملول شدن، از یک چیزی دل‌زده شدن، دل‌زدگی؛ بعد «الفترة» یعنی سهل‌انگاری، کارها را با سهل‌انگاری گذراندن، در کارها استحکام را رعایت نکردن؛ بعد «القسوة»، سخت‌دلی، تحجر، عدم انعطاف؛ بعد «الغفلة»؛ غافل شدن و گیج خوردن از موقعیت خود و آنچه دارد می‌گذرد و آنچه پیش روی ما است و آنچه پیرامون ما است؛ و آخری «الغرة»؛ فریب‌خوردگی، مغرور شدن، فریب خوردن؛ من را از اینها برحذر بدار.

احتیاج به این دعاها از دو منظر

ببینید اینها چه درس‌هایی است. خب، کاربرد این مفاهیم - که مفاهیم متعالی بسیار برجسته‌ای است - برای مسئولان و دارندگان شئون کاری و جمعی، خیلی مهم‌تر از کاربرد آن در مورد افراد معمولی و عادی است. اینکه ما می‌گوییم ما را دچار تنبلی مکن، دچار قسوت مکن، دچار غفلت مکن، از دو منظر محتاج این درخواست الهی هستیم و محتاج این مراقبتیم: یکی از نظر شخصی خودمان که نلغزیم، اشتباه نکنیم، دچار مشکل نشویم؛ یکی از نظر حوزه‌ی مأموریت‌مان و مسئولیت‌مان. شما مثل ناخدایی هستید که دارد کشتی را میراند، مثل خلبانی هستید که دارد هواپیما را سیر میدهد؛ مسئله‌ی شما فقط مسئله‌ی حفظ جان خودتان نیست؛ فرق میکنید با آن کسی که سوار اتومبیل شخصی خودش است و تنها دارد در جاده حرکت میکند؛ مسئولیت او فقط مسئولیت جان خودش است؛ شما نه، جماعتی با شما هستند. اینها است که

کفّی مسئولیت را و لزوم تعهد را در مورد این مسائلی که ذکر شد سنگین تر میکند.

ماه تقابل شیطان و تقوا

در ادبیات مذهبی ما، ماه رمضان، ماه تقابل شیطان و رفتارهای شیطانی از یک سو، و رفتارهای رحمانی و اطاعت و عبودیت از سوی دیگر است. گفته میشود که شیطان در ماه رمضان لگام زده است - این از یک طرف - و گفته میشود که ماه رمضان، ماه اطاعت و عبودیت است، که کوتاه ترین کلمه و پُر مغز ترین کلمه، کلمه ی تقوا است. کتب علیکم الصیام گماکت علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون. (۱۰) مسئله، مسئله ی تقابل شیطان و تقابل تقوا است.

کار شیطان اغوا کردن است

کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه ی شما - شیطان این است دیگر - نقطه ی مقابل، کارکرد تقوا است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. کار تقوا نقطه ی مقابل است: ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (۱۱) تقوا به شما فرقان، یعنی آگاهی برای جدا کردن حق از باطل را میدهد. در آیه ی شریفه ی دیگر [میفرماید]: وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمُكُمْ اللَّهُ؛ (۱۲) تقوا موجب این است که خدای متعال دریچه های دانش را، آگاهی را، دانایی را به روی شما باز کند.

راه های تاثیر شیطان بر دستگاه محاسبه ی ما

تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه ی ما، از راه تهدید و تطمیع است؛

الف) ترس

از یک طرف ما را میترساند: آیه ی شریفه ی قرآن در سوره ی مبارکه ی آل عمران [میفرماید]: اَلَمَّْا ذَلِكُمْ الشَّيْطٰنُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوْهُمْ وَ خَافُوْا اِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ. (۱۳) در قضیه ی غزه ای که بعد از اُحد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، بردتان درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ اُحد زخمی شدند، همانها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدامان هم نیابید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم راه افتاد، کسانی که آن روز در اُحد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر راه افتادند رفتند و دشمن را که در نزدیک مدینه - [خبر] درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند به صورت غافلگیر کننده، تارومار کردند و برگشتند. فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَ فَضْلِ لِّم يَمْسَسُوْهُمْ سُوْءًا؛ (۱۴) بعد میفرماید که:

ماه رمضان، ماه اطاعت و عبودیت است، که کوتاه ترین کلمه و پُر مغز ترین کلمه، کلمه ی تقوا است. مسئله، مسئله ی تقابل شیطان و تقابل تقوا است.

اغوا یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه ی شما، نقطه ی مقابل، کارکرد تقوا است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد.

از یک طرف ما را میترساند. از طرف دیگر تطمیع است؛ وعده میدهد، آرزوها را در دل آنها بیدار میکند، زنده میکند، یک آینده ی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود میگذارد.

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ- (۱۵) یکی از کارهای شیطان ترساندن است: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ؛ (۱۶) شما را از فقر میترساند - بنابراین یک احتمال در معنای این آیهی شریفه - این تهدید بود،

ب) تطمع

از طرف دیگر تطمع است؛ از سوی دیگر وعده میدهد شیطان، وعده های فریبنده؛ اینجا هم آیهی شریفهی قرآن میفرماید: يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۱۷) وعده میدهد، آرزوها را در دل آنها بیدار میکند، زنده میکند، یک آیندهی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود میگذارد؛ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۱۸) اما فریب است.

مثل آمریکا

مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرتهای استکباری همیشه [دارند]؛ از یک طرف تهدید میکنند، از یک طرف تطمع میکنند. تطمع فقط تطمع شخصی نیست؛ تطمع های کلی: ”چنین میکنیم، چنان میکنیم“؛ بعد هم نمیکند، دروغ میگویند؛ کار شیطان این است.

از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرتهای استکباری همیشه [دارند]؛ از یک طرف تهدید میکنند، از یک طرف تطمع میکنند. تطمع، فقط تطمع شخصی نیست؛ تطمع های کلی: ”چنین میکنیم، چنان میکنیم“؛ بعد هم نمیکند، دروغ میگویند؛ کار شیطان این است. همه ی این کارهایی که شیطان انجام میدهد - این اغوا، این تهدید و تطمع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مؤمن را از کار بیندازد تا محاسبه ی غلط انجام بدهد؛ وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب میشود.

یکی از بزرگترین خطرهای

محاسبه ی غلط، یکی از بزرگ ترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید میکند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید میکند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید میکند؛ مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله ی شیطانهای انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم.

محاسبه ی غلط، یکی از بزرگترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید میکند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید میکند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی های انسان، تحت سرنجه ی اراده ی او است، و اراده ی انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است؛ اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده ی انسان تصمیمی میگیرد و در جهتی می رود که خطا است؛ آن وقت نیروهای انسان، همه ی توانایی های انسان در این جهت خطا به کار می افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید.

عرض کردیم، مراقبت در مورد شخصی که مسئولیت ندارد به یک معنا است، مراقبت در مورد من و شما که حوزه ی مسئولیتی داریم، به یک معنای دیگر است. مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله ی شیطانهای انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم. شیطان که فقط شیطان جَنّی نیست؛ ابلیس که فقط نیست؛ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوْحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا (۱۹) شیطاين انس و جن به هم کمک هم میکنند.

یک خطای بزرگ محاسباتی

یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنتهای الهی را، چیزهایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمیشود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است.

خداوند فرموده است: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ** (۲۰) دیگر از این واضحتر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است: **وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا** (۲۱) اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد. این را قرآن گفته است، با این صراحت که وعدهی الهی است؛ ما هم در عمل آن را تجربه کرده ایم.

یکی از برجسته ترین مقاطع تاریخی

بدانید این قطعهی تاریخ انقلاب در تاریخ متمدنی که در طول نسلهای آینده، مورد بحث قرار خواهد گرفت، یکی از برجسته ترین مقاطع تاریخی است.

سنت الهی

در دنیای مادی، در دنیای تسلط ابرقدرتها، در دنیای ستیزه گری همه جانیه ی با اسلام و معارف اسلامی و ارزشهای اسلامی، یک نظامی به وجود بیاید برپایه ی اسلام، آن هم درست در نقطه ای که بیش از همه جای دنیا تأثیر عوامل آن قدرتهای منحرف کننده نفوذ داشتند و حضور داشتند. [این] چیز عجیبی است؛ من و شما عادت کردیم. **این همان "إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ" است.** **"وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ"**؛ دچار تزلزل هم نمیشوید، کما اینکه نشدیم. ملت ایران دچار تزلزل نشد؛ این همه فشار، این همه توطئه، این همه آزار، این همه ناجوانمردی، ملت ایران منصرف نشد. این یکی از سنتهای الهی است.

جمهوری اسلامی کلمه طیبه

آیه ی شریفه ی قرآن [میفرماید]: **أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا** (۲۲) کلمه ی طیب، اقدام درست، اقدام پاکیزه، اقدام برای خدا این جوری است، که این میماند، در زمین ریشه میدواند، مستحکم میشود و ثمربخش خواهد بود. نظام جمهوری اسلامی آن کلمه ی طیب است، مثل شجره ی طیبه باقی مانده است، مستحکم تر شده است. امروز نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام، به عنوان یک حکومت، به عنوان یک مجموعه ی سیاسی با سی سال قبل از لحاظ استحکام قابل مقایسه نیست. در دو آیه بعد [میفرماید]: **يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ** (۲۳) همان تثبیت و اثبات را مجدداً تکرار میکند. این عوامل را باید دید؛ در محاسبات ما این عوامل باید به

حساب بیاید. همه‌ی عوامل سعادت و شقاوت و پیشرفت و پسرفت و به موفقیت‌ها دست یافتن و نیافتن، در چهارچوب عوامل مادی متعارفی که اهل مآذ، اهل محسوسات، به آنها دل خوش میکنند، محدود نمی‌ماند؛ این عوامل در کنارش وجود دارد.

عمده‌ی حرف من

آنچه من می‌خواهم در این بخش از عرایض - که عمده‌ی حرف من هم همین است - عرض بکنم، این است که ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد.

ترسیم نبرد تاریخی جبهه حق و جبهه باطل

امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمانهای بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی میکنند، اذیت میکنند، تهدید میکنند؛ در عین حال با همه‌ی زرق و برقی که آن جبهه‌ی مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه میدهد و پیش میرود، اثر میگذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا میکند، روزبه‌روز عمق پیدا میکند.

راهبرد آینده جبهه باطل

آنچه ما امروز در مجموعه‌ی رفتار دستگاه استکبار مشاهده میکنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدانهای دیگر، استکبار نتوانسته است، کاری از او برنیامده است.

تحریم و تهدید نظامی؛ دو عامل مورد استفاده جبهه استکبار

در میدانهای واقعی، تنها دو عامل مادی در اختیار جبهه‌ی استکبار بوده و هست: یکی تهدید نظامی، یکی تحریم. استکبار غیر از این دو هیچ چیز در اختیار ندارد. از لحاظ قدرت منطق، قدرت استدلال، توانایی بر اثبات حقانیت، دست استکبار بسته است. تنها دو کار میتواند بکند: یکی تهدید نظامی است که مرتب میکند، یکی هم تحریم؛

علاج تحریم

این دو هم علاج دارد. تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. این نکته‌ای که امروز رئیس‌جمهور محترم گفتند؛ قبلاً

امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار، همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمانهای بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان هستیم؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک چنین حرکتی مخالفند.

هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است.

در میدانهای واقعی، تنها دو عامل مادی در اختیار جبهه‌ی استکبار بوده و هست: یکی تهدید نظامی، یکی تحریم.

هم ایشان گفته بودند و این نکته‌ی کاملاً درستی است: برنامه‌های اقتصادی براساس و با فرض ماندن تحریمها بایستی برنامه‌ریزی بشود و تعقیب بشود و تحقق پیدا نکند. فرض کنیم که این تحریمها ذره‌ای و سِر سوزنی کم نخواهد شد؛ که حالا خود آنها هم همین را میگویند. آنها هم میگویند که تحریمها دست نخواهد خورد، حتی از حالا شروع کردند که اگر در زمینه‌ی هسته‌ای هم به توافق برسیم، معنای آن این نیست که همه‌ی تحریمها برداشته خواهد شد؛ هنوز چیزهای دیگری هم هست؛ این همان حرفی است که ما همیشه می‌گفتیم. من بارها در همین جلسه و جلسات گوناگون دیگر عرض کرده‌ام (۲۴) که [موضوع] **هسته‌ای بهانه است**: مسئله‌ی هسته‌ای هم نباشد، یک بهانه‌ی دیگری می‌آورند: مسئله‌ی حقوق بشر هست، مسئله‌ی حقوق زنان هست، مسائل گوناگون فراوان را می‌سازند؛ جعل کردن و بهانه‌گیری که خیلی مایه‌ای نمی‌خواهد، دستگاه تبلیغاتی و امپراتوری تبلیغاتی هم که در اختیار آنها است. بنابراین، علاج مسئله‌ی تحریم، عبارت است از همین اقتصاد مقاومتی؛ که حالا من بعد چند جمله‌ای را در این زمینه عرض خواهم کرد.

علاج تهدید نظامی

اما مسئله‌ی تهدید نظامی؛ امروز در دنیا کمتر کسی است که تهدید نظامی را جدی بگیرد؛ حالا آمریکایی‌ها میگویند ایرانی‌ها جدی نمیگیرند؛ ما فقط نیستیم که جدی نمیگیریم؛ در دنیا خیلی‌ها هستند که این تهدید را جدی نمیگیرند. ناظران جهانی خیلی باور ندارند که این تهدید، تهدید جدی است؛ چون تشخیص ناظران جهانی و آگاهان به سیاست این است که اگر حمله‌ی نظامی برای آمریکا مقرون به صرفه بود، یک لحظه تأمل نمیکرد.

دلیل بی‌اعتباری تهدید نظامی

اینها از اینکه یک عده‌ای کشته خواهند شد، یک‌جایی بحران به وجود خواهد آمد، از این ناراحت میشوند؟ کسانی که هشت سال از گرگی به نام صدام با همه‌ی وجود حمایت کردند، کسانی که هواپیمای مسافربری را روی آسمان بدون هیچ بهانه‌ای زدند (۲۵) و چند صد نفر را - زن و مرد و کودک بی‌خبر و بی‌گناه را - نابود کردند و به خون کشیدند، اینها از آدمکشی میترسند؟

کسانی که هرجا دستشان رسیده است و توانسته‌اند بحران‌سازی کردند؛ این اجتماعات رنگی - به قول خودشان "انقلابهای رنگی" - در این کشورها [به وجود آوردند، در] کدام یک از اینها است که قدرتهای استکباری و در مقدم آنها آمریکا پیشقدم [نباشد] و حضور نداشته باشد؟ داخل کشورها بحران‌سازی میکنند، حالا این بحرانه‌ها به کشتار بینجامد، به جنگ داخلی بینجامد، برایشان مهم نیست.

برنامه‌های اقتصادی براساس و با فرض ماندن تحریمها بایستی برنامه‌ریزی بشود و تعقیب بشود و تحقق پیدا نکند.

هسته‌ای بهانه است؛ مسئله‌ی هسته‌ای هم نباشد، یک بهانه‌ی دیگری می‌آورند: مسئله‌ی حقوق بشر هست، مسئله‌ی حقوق زنان هست، مسائل گوناگون فراوان را می‌سازند.

امروز در دنیا کمتر کسی است که تهدید نظامی را جدی بگیرد؛ حالا آمریکایی‌ها میگویند ایرانی‌ها جدی نمیگیرند؛ ما فقط نیستیم که جدی نمیگیریم؛ در دنیا خیلی‌ها هستند که این تهدید را جدی نمیگیرند.

اینها از اینکه یک عده‌ای کشته خواهند شد، یک‌جایی بحران به وجود خواهد آمد، از این ناراحت میشوند؟

امروز خود آمریکایی ها حمله‌ی به عراق را تخطئه میکنند. نکته‌ی مهم و جالب توجه این است که این کار را نه از باب اینکه جنایت بود، تخطئه میکنند؛

نه، میگویند به صرفه‌ی آمریکا نبود! یعنی اگر به صرفه‌ی آمریکا بود، اشکالی نداشت. نمیگویند ما خطا کردیم که آدم کشتیم، خطا کردیم به مردمی بی‌گناه حمله کردیم.

خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند.

میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر "خواست"، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد.

کسانی که به افغانستان حمله کردند، به عراق حمله کردند، صدها هزار نفر کشته شدند؛ کسانی که در عراق بعد از پایان عملیات نظامی هم به وسیله‌ی دستگاه‌های امنیتی و شرکتهای مزدور برای آدمکشی مثل بلکواتر - که قبلاً یک‌وقتی از آنها اسم آوردیم - (۲۶) آدم‌ها را نفر به نفر در بغداد و در سایر شهرهای عراق کشتند، اینها از آدمکشی میترسند؟ اینها از کشته شدن انسانها باک دارند؟ [به این چیزها] اهمیّت میدهند؟

مسئله این نیست که تهدید نظامی به‌خاطر این است که نمیخواهند. مکرراً میگویند اسرائیل تهدید نظامی میکند، آمریکا مانع میشود! خب چرا آمریکا مانع میشود؟ اگر این حرف واقعیّت داشته باشد، اگر این حرف راست باشد، به‌خاطر چیست؟ خیلی وجدانشان آزرده میشود از اینکه حمله‌ی نظامی به یک کشوری بشود، یک عده‌ای کشته بشوند؟ نه، مقرون به صرفه نمیدانند. بنده هم قاطعاً میگویم: حمله‌ی نظامی به جمهوری اسلامی ایران برای هیچ کشوری مقرون به صرفه نیست.

امروز خود آمریکایی‌ها حمله‌ی به عراق را تخطئه میکنند. نکته‌ی مهم و جالب توجه این است که این کار را نه از باب اینکه جنایت بود، تخطئه میکنند؛ [نه]، میگویند به صرفه‌ی آمریکا نبود! یعنی اگر به صرفه‌ی آمریکا بود، اشکالی نداشت. نمیگویند ما خطا کردیم که آدم کشتیم، خطا کردیم به مردمی بی‌گناه حمله کردیم، خطا کردیم که سربازان ما [در] خانه‌های مردم را با لگد باز کردند، زن و بچه‌ی مردم را جلوی چشم همه به خاک و خون کشیدند؛ این را نمیگویند. [آنان] سربازهایشان به‌خاطر فجایی که در آنجا انجام گرفته است، دچار مشکل روانی‌اند، اما به صورت رسمی اعتراف نمیکنند؛ میگویند این کار به صرفه نبود.

نتیجه(اصل صحبت اینجااست)

خب، بنابراین هم در زمینه‌ی تحریم، هم در زمینه‌ی تهدید نظامی، دست دشمن خالی است: وَ لَا تَهْنَأُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷) اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماسهای گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر "خواست"، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.

عناصر محاسباتی جمهوری اسلامی

اول، اعتماد به خدا و
سنن آفرینش.

دوم، بی‌اعتمادی به
دشمن و شناخت او.

محاسبات ما را نمیتوانند عوض کنند؛ محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطق عقلانی بوده است؛ براساس یک قوه‌ی عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل میداده اینها است: اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او.

از موارد اعتماد به خدا اعتماد به مردم است

از جمله‌ی موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمانها است؛ اعتماد به محبتها است؛ اعتماد به انگیزه‌های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است - که امام بزرگوار ما مظهر این اعتماد بود - اعتقاد به خودباوری و اینکه "ما میتوانیم"؛ تکیه‌ی به عمل و پرهیز از بیکارگی؛ اعتماد به نصرت الهی؛ تکیه‌ی به تکلیف و مجاهدت در راه تکلیف؛ اینها آن چیزهایی است که از روز اول تا امروز مجموعه‌ی عناصر قوه‌ی عقلانی نظام اسلامی را - که پایه و زیربنای حرکت او بود - شکل داده است؛

استقلال

بیانات امام را مراجعه کنید؛ فرمایشات امام مملو و مشحون از همین معارف و معانی است؛ بهره‌گیری از تجربه‌ها، تجربه‌ی رفتار قدرتهای مستکبر با ملت‌های زبردست؛ مجاهدت برای استقلال، مستقل ماندن، مستقل زیستن. استقلال یعنی چه - حالا بعضی‌ها در اصل مفهوم استقلال خدشه میکنند که یعنی چه استقلال - استقلال یعنی آزادی از اراده‌ی بیگانگان و اراده‌ی دیگران؛ این معنای استقلال است؛ این را هیچ عقلی میتواند انکار کند؟ معنای استقلال این است که یک ملتی سرنوشت خودش را خودش تعیین کند. این کشور سال‌های متمادی دچار استقلال نبود؛ استقلال ظاهری سیاسی بود، اما مغزافزار این نظام و این کشور دست دیگران بود؛ آنها بودند که تصمیم میگرفتند؛ آنها بودند که کار میکردند؛ افرادی هم در داخل بودند، بعضی دلبسته‌ی آنها، بعضی هم نه‌چندان دلبسته، اما مجبور و ناگزیر دنبال آنها راه می‌افتادند. استقلال، ایستادگی در مقابل یک چنین حالتی است. خب، مخالفت استکبار با این عقلانیت است.

اسم اسلام مایه دشمنی با جمهوری اسلامی نیست

اگر کسی خیال کند که اسم اسلام موجب میشود که با جمهوری اسلامی مخالف باشند، نه، اسم اسلام و ظواهر اسلامی و تشریفات اسلامی هیچ کس را به مخالفت وادار نمیکند. امام یک وقتی در یکی از صحبت‌هایشان میفرمودند: (۲۸) وقتی که انگلیس‌ها در دهه‌ی دوم قرن بیستم - هزار و نهصد و خرده‌ای

استقلال یعنی آزادی از
اراده‌ی بیگانگان و اراده‌ی
دیگران؛ این معنای
استقلال است؛ این را هیچ
عقلی میتواند انکار کند؟
معنای استقلال این است
که یک ملتی سرنوشت
خودش را خودش تعیین
کند.

اگر کسی خیال کند که
اسم اسلام موجب میشود
که با جمهوری اسلامی
مخالف باشند، نه، اسم
اسلام و ظواهر اسلامی و
تشریفات اسلامی هیچ
کس را به مخالفت وادار
نمیکند.

مسئله، مسئله‌ی جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی یعنی استقلال، آزادی، پایبندی به ایمان اسلامی، حرکت در مسیر اسلام، تن ندادن به تحمیلات دشمنان، دعوت امت اسلامی به اتحاد - درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که آنها می‌خواهند - البته با این بدند.

نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان می‌دهد که ما در مقطع حساسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه، امروز یک پیچ تاریخی است. این را بدانید! اگر قوی نباشید زور خواهید شفت؛ نه از آمریکا و غرب، حتی از موجودی مثل صدام.

عناصر قوت: روحیه، امید، کار و تلاش، شناخت رخنه‌های اقتصادی، رخنه‌های فرهنگی، رخنه‌های امنیتی هم‌افزایی دستگاه‌های مسئول، هم‌افزایی دستگاه‌های مسئول با مردم.

- آمدند وارد عراق شدند و مسلط شدند، بعد آن فرماندهی نظامی انگلیسی دید یک نفری فریادی بلند کرده، دارد صدایی می‌زند، دستپاچه شد - روی مناره یک کسی اذان میگفت - پرسید این سرو صدایی که هست چیست؟ گفتند اذان میگوید. گفت علیه ما است؟ یکی گفت نه؛ گفت خب، هرچه می‌خواهد بگوید. اذانی که علیه او نباشد، "الله اکبر"ی که او را کوچک نکند، خب هرچه می‌خواهد بگوید، بگوید.

مسئله مسئله‌ی اسم اسلام و تشریفات اسلامی نیست. امروز کشورهایی اسم اسلام را دارند، تشریفات اسلامی را هم کم‌وبیش دارند، اما نفتشان در اختیار استکبار است، امکاناتشان در اختیار استکبار است، منابع حیاتی شان در اختیار آنها است؛ هیچ مخالفتی با آنها نیست، خیلی هم دوستند.

مسئله مسئله‌ی جمهوری اسلامی است

یک حرف خوبی را اخیراً یک جایی خواندم؛ یکی از کارشناسان دولتی آمریکا گفته است: آشتی میان ایران و آمریکا امکان‌پذیر است، اما میان جمهوری اسلامی با آمریکا ممکن نیست؛ حرف درستی زده. ایرانی که در رأس آن خاندان پهلوی باشند - که همه چیزشان را در اختیار آنها می‌گذارند - البته آشتی با این ممکن که هیچ، لازم هم هست؛ بالاتر از آشتی هم لازم است. مسئله، مسئله‌ی جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی یعنی استقلال، آزادی، پایبندی به ایمان اسلامی، حرکت در مسیر اسلام، تن ندادن به تحمیلات دشمنان، دعوت امت اسلامی به اتحاد - درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که آنها می‌خواهند - البته با این بدند.

خب، این عرض اصلی ما بود؛ خودباوری را فراموش نکنیم؛ ایمان را فراموش نکنیم؛ عمل را فراموش نکنیم؛ تسلیم تنبلی و سهل‌انگاری و ملالت و دل‌زدگی نشدن را فراموش نکنیم؛ اینها درسهایی ماه رمضان است.

چند توصیه

۱. باید قوی باشید

چند توصیه عرض کنیم؛ یک توصیه خطاب به همه‌ی مسئولین است. نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان می‌دهد که ما در مقطع حساسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه، امروز یک پیچ تاریخی است. این را بدانید! اگر قوی نباشید زور خواهید شفت؛ نه از آمریکا و غرب، حتی از موجودی مثل صدام. اگر قوی نباشید به شما زور می‌گویند، بر شما تحمیل می‌کنند. باید قوی بشوید.

عناصر قوت چیست؟

توصیه‌ی دوم: تا می‌توانید

و فرصت هست کار کنید؛

فرصتها محدود است.

نگوید نمی‌گذارند؛ این

نمی‌گذارند حرف قابل

پذیرشی نیست.

نمی‌گذارند یعنی چه؟

اولاً این را همه بدانند،

بنده دولت را حمایت

میکم. من از همه‌ی

توانی که در اختیارم

هست استفاده خواهم

کرد برای کمک به دولت؛

دولت را تأیید میکنم،

حمایت میکنم، مثل

همه‌ی دولتهای گذشته.

البته نسبت به دولتهای

گذشته، بهتر این است

که نقد به صورت

کارشناسی انجام بگیرد؛

نقد در منبرهای عمومی

خیلی مصلحت نیست؛

نسبت به دولت کنونی هم

نقد باید منصفانه،

محترمانه، دلسوزانه

باشد؛ به معنای مچ‌گیری،

به معنای اذیت کردن

نباشد.

عناصر قوت چیست؟ چگونه میشود فهمید و قبول کرد که ما قوی هستیم؟ روحیه، امید، کاروتلاش، شناخت رخنه‌های اقتصادی، رخنه‌های فرهنگی، رخنه‌های امنیتی - اینها را بشناسید و این رخنه‌ها را ببندید - هم افزایشی دستگاه‌های مسئول - به هم کمک کنند دستگاه‌ها - هم‌افزایی دستگاه‌های مسئول با مردم؛ اینها عناصر قوت است. این یک توصیه که این توصیه به همه است.

۲. کار، کار، کار

توصیه‌ی دوم این است که تا می‌توانید و فرصت هست کار کنید؛ فرصتها محدود است. ما اشخاص رو به زوالی هستیم، فرصت محدودی داریم، تا می‌توانیم، تا هستیم، کار کنیم. نگوید نمی‌گذارند؛ این نمی‌گذارند حرف قابل پذیرشی نیست. خیلی‌ها هم میگفتند، قبلاً هم میگفتند، حالا هم بعضی‌ها میگویند نمی‌گذارند؛ نمی‌گذارند یعنی چه؟ شما چه در مجلس، چه در دولت، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در نیروهای مسلح، چه در بخشهای گوناگون مربوط به دولت، توانایی‌هایی دارید، امکاناتی در اختیار دارید، از این امکانات استفاده کنید؛ تا می‌توانید کار کنید؛ نگذارید لحظه‌ای بیکار بگذرد.

۳. حرکت براساس اصول انقلاب

توصیه‌ی سوم [این است که] حرکت را براساس اصول انقلاب تنظیم کنید؛ از حاشیه‌سازی پرهیز کنید، به حل مشکلات مردم بپردازید.

۴. همگرایی

رابعاً هم‌گرایی بخشی و هم‌گرایی قوه‌ای را مهم بشمارید. بنده توصیه‌ی مکرر میکنم به مسئولین محترم قوای سه‌گانه که جلساتشان را به‌طور مرتب داشته باشند؛ خیلی از مسائل در این جلسات مشترک حل میشود: جلسات دولت و مجلس، جلسات قوه‌ی قضائیه و دولت، جلسات قوه‌ی قضائیه و مجلس؛ این دیدارها، این تبادل نظرها، این استفاده‌ی از نظرات یکدیگر، موجب هم‌افزایی است. و مسئله‌ی مدیریت جهادی؛ این توصیه مربوط به همه است.

توصیه‌ی مخصوص دولت

۱. بنده دولت را حمایت می‌کنم

اولاً این را همه بدانند، بنده دولت را حمایت میکنم. من از همه‌ی توانی که در اختیارم هست استفاده خواهم کرد برای کمک به دولت؛ دولت را تأیید میکنم، حمایت میکنم، مثل همه‌ی دولتهای گذشته. نسبت به مسئولان بلندپایه‌ی دولت

— آنهايي که ميشناسم — اعتماد دارم. همهي دولتهايي که بعد از انقلاب سر کار آمدند، دولتهاي منتخب مردمند و بنده در همهي اين دوره‌ها — آن‌وقتي که مسئوليت داشتم — از همهي اين دولتها حمايت کردم. همهي دولتها هم نقاط مثبتي دارند، [هم] نقاط منفي‌اي دارند؛ هيچ دولتي نيست که بگويد من همهي نقاطم مثبت است يا کسي بگويد همهي نقاطش منفي است؛ نه، مثبت و منفي مخلوط است. البته نسبت به دولتهاي گذشته، بهتر اين است که نقد به صورت کارشناسي انجام بگيرد؛ نقد در منبرهاي عمومي خيلي مصلحت نيست؛ نسبت به دولت کنوني هم نقد بايد منصفانه، محترمانه، دلسوزانه باشد؛ به معنای مچ‌گيري، به معنای اذيت کردن نباشد؛ اين مطلب اول.

۲. اقتصاد مقاومتی را جدی بگیرید

ثانياً به مسئولين دولت عرض ميکنم: اقتصاد مقاومتی را جدی بگيريد. خوب، رئيس جمهور محترم گفتند، مسئولين ديگر هم کم‌وبيش اظهار کرده اند، گفته‌اند، منتها بايد عمل کرد: وَ لَا مِمَّنْ عَلٰى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ؛ اين‌جور نباشد که به زبان بگويم، در عمل کُند حرکت نکنيم. در اقتصاد مقاومتی تکیه بر توليد داخلي است، بر استحکام بنيهی دروني اقتصاد است. رونق اقتصادی هم اين است؛ رونق اقتصادی با توليد حاصل ميشود، با فعال کردن ظرفيتهاي دروني کشور حاصل ميشود، نه با چيز ديگر.

توصیه‌هایی در باب اقتصاد مقاومتی

بانک‌ها

توصیه‌ی مهم در زمينهی اقتصاد مقاومتی، يکی توصیه‌ی به بانکها است : بانکها بايد نقش ايفا کنند، بايد خودشان را تطبيق بدهند با موادّ سياستهای اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ريزی‌های دولت در اين زمينه؛ و ميتوانند نقش ايفا کنند، نقش مثبت؛ البته نقش منفي هم ميتوانند.

صنعت و معدن

توصیه‌ی مؤکّد به بخش صنعت‌ومعدن: تحرکشان را بايد افزايش بدهند. بار اصلی بيرون رفتن کشور از رکود و عقب‌ماندگی اقتصادی بر دوش بخش صنعت‌ومعدن است؛ بايد تلاش کنند، تلاش را بايد مضاعف کنند، ظرفيتها را شناسايی کنند؛ ظرفيتهاي زيادی در کشور هست، اين ظرفيتها را فعال کنند.

کشاورزی

در مورد بخش کشاورزی، کشاورزی اهميت حياتی دارد. لازم است نگاه دولت و سياستهای دولتی به بخش کشاورزی، نگاه حمايت باشد؛ همه‌جای دنيا هم همين‌جور است؛ از بخش کشاورزی به‌وسيلهی دولتها حمايت ميشود.

ثانياً اقتصاد مقاومتی را جدی بگيريد. بايد عمل کرد. اين‌جور نباشد که به زبان بگويم، در عمل کُند حرکت نکنيم.

توصیه‌ی به بانکها : بانکها بايد نقش ايفا کنند، بايد خودشان را تطبيق بدهند با موادّ سياستهای اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ريزی‌های دولت در اين زمينه.

توصیه‌ی مؤکّد به بخش صنعت‌ومعدن: تحرکشان را بايد افزايش بدهند. بار اصلی بيرون رفتن کشور از رکود و عقب‌ماندگی اقتصادی بر دوش بخش صنعت‌ومعدن است.

در مورد بخش کشاورزی: کشاورزی اهميت حياتی دارد. لازم است نگاه دولت و سياستهای دولتی به بخش کشاورزی، نگاه حمايت باشد؛ همه‌جای دنيا هم همين‌جور است.

اعتدال، شعار بسیار خوبی است، ما هم تأیید میکنیم اعتدال را؛ مراقب باشید جریانهای مؤمن را با شعار اعتدال کنار نزنند؛ بعضی‌ها این کارها را دارند میکنند، با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی میکنند جریان مؤمن را که در خطر آن جریان است که زودتر از همه سینه سپر میکند، آن جریان است که دولتها را در مشکلات واقعی به معنای حقیقی کلمه حمایت میکند، کنار بزنند؛ مراقب باشید.

آن وقت باید مشکلات موجود در بخش کشاورزی برطرف بشود؛ مشکلات کشاورزان، مشکلات دامداران - که گاهی شکایتهایی هم به ما میشود - و انسان رنج میرد از بعضی از مشکلاتی که برای اینها وجود دارد.

۳. اعتدال

سؤم: شعار دولت، اعتدال است؛ اعتدال، شعار بسیار خوبی است، ما هم تأیید میکنیم اعتدال را؛ افراط محکوم است و بد است. سفارشی که من میکنم این است که مراقب باشید جریانهای مؤمن را با شعار اعتدال کنار نزنند؛ بعضی‌ها این کارها را دارند میکنند، من میبینم در صحنه‌ی سیاسی کشور؛ با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی میکنند جریان مؤمن را که در خطر آن جریان است که زودتر از همه سینه سپر میکند، آن جریان است که دولتها را در مشکلات واقعی به معنای حقیقی کلمه حمایت میکند، کنار بزنند؛ مراقب باشید.

اعتدال چیست؟

اسلام، مظهر اعتدال است. این "أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" (اعتدال است؛ "قَتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ" (۳۰) اعتدال است؛ امریه معروف و نهی‌ازمنکر اعتدال است - اعتدال اینها است دیگر - معنای اعتدال این نیست که ما از کارهای احساس وظیفه‌ای که فرد مؤمن، جریان مؤمن، مجموعه‌ی مؤمن انجام میدهد، جلوگیری کنیم.

یک سفارش به جریان‌های سیاسی و مطبوعاتی

سفارش به جریانهای سیاسی و مطبوعاتی؛ یک توصیه به برادران مسئولان جریانهای سیاسی و مطبوعاتی داریم. مراقب باشید؛ فضای جنجالی در کشور به نفع کشور نیست. بعضی‌ها روی اعصاب مردم این قدر راه نروند - که آدم مشاهده میکند - امنیت فکری و ذهنی برای مردم مهم است؛ فضای دعوا و فضای اختلاف را افزایش ندهند، تشدید نکنند. حرفهای دشمنان را هم مرتب تکرار نکنند. بنده هرروز مبالغ زیادی روزنامه نگاه میکنم - مثل خیلی از چیزهای دیگری که زیاد میخوانم - گاهی یک حرفهایی، یک تیتراهی در روزنامه‌ها [می‌آید] که باب فلان روزنامه‌ی آمریکایی است؛ اتفاقاً گاهی هم در همان روزنامه‌های آمریکایی و غیر آمریکایی هم هست که آنها هم گاهی برای ما می‌آید مراقب باشید؛ این جور درست نیست.

مسئله حساس هسته‌ای

نیاز کشور باید تأمین شود

یک مسئله‌ی حساس کنونی، مسئله‌ی هسته‌ای است که بیانات امروز رئیس‌جمهور محترم کاملاً خوب و درست بود. طرف مقابل به مرگ گرفته که به

اسلام، مظهر اعتدال است. این "أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" اعتدال است؛ "قَتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ" اعتدال است؛ امریه معروف و نهی‌ازمنکر اعتدال است. معنای اعتدال این نیست که ما از کارهای احساس وظیفه‌ای که فرد مؤمن، جریان مؤمن، مجموعه‌ی مؤمن انجام میدهد، جلوگیری کنیم.

میگویند ما از بمب هسته‌ای میترسیم! اولاً تضمین برای جلوگیری از سلاح هسته‌ای راه‌های خودش را دارد؛ اشکالی هم ندارد. ثانیاً اگر بنا است که راجع به مسئله‌ی سلاح هسته‌ای کسی نگران باشد، آن، آمریکا نیست. آمریکا که خودش چند هزار کلاهک هسته‌ای دارد، چند هزار بمب هسته‌ای دارد، و خودش به کار برده؛ خب به شما چه! شما چه کسی هستید که بایستی نگران این باشید که فلان کشور به سلاح هسته‌ای دست پیدا میکند یا نمیکند.

مسئله‌ی تحقیق و توسعه که قطعاً باید رعایت بشود؛ حفظ تشکیلاتی که دشمن قادر به تخریب آن نیست. روی "فردو" تکیه میکنند، چون غیر قابل دسترسی است برای آنها؛ میگویند جایی که ما نمیتوانیم به آن ضربه بزنیم، نباید داشته باشیم! این خنده‌آور نیست؟

تب راضی بشوید. هدف آنها این است که جمهوری اسلامی را در باب ظرفیت غنی‌سازی مثلاً - که یکی از مسائل است - به ده هزار سو راضی کنند، منتها از پانصد سو و هزار سو شروع کرده‌اند، که حدود ده هزار سو مثلاً محصول حدود ده هزار سانتریفیوژ - همین قدیمی‌هایی که از قبل داشتیم و داریم - است. هدف آنها این است. مسئولین ما میگویند ما به ۱۹۰۰۰۰ سو احتیاج داریم. ممکن است این نیاز مال امسال و دو سال دیگر و پنج سال دیگر نباشد، اما این نیاز قطعی کشور است، خب، باید نیاز کشور تأمین بشود.

اصل حرفی که آمریکایی‌ها در این قضیه دارند، حرف ناحقی است. یک کشوری احتیاج به انرژی هسته‌ای دارد، خودش با تلاش خود، با دنبال گیری خود، بدون اینکه از کسی دزدی کند، بدون اینکه با کسی ساخت‌وپاخت بکند، توانسته این علم را، این دانش را، این فناوری را برای خود فراهم کند؛ حالا والیستاده‌اند که نه، نباید. خب چرا؟ این "باید" چه منطقی دارد؟

میگویند ما از بمب هسته‌ای میترسیم! اولاً تضمین برای جلوگیری از سلاح هسته‌ای راه‌های خودش را دارد؛ اشکالی هم ندارد. ثانیاً اگر بنا است که راجع به مسئله‌ی سلاح هسته‌ای کسی نگران باشد، آن، آمریکا نیست. آمریکا که خودش چند هزار کلاهک هسته‌ای دارد، چند هزار بمب هسته‌ای دارد، و خودش به کار برده؛ خب به شما چه! شما چه کسی هستید که بایستی نگران این باشید که فلان کشور به سلاح هسته‌ای دست پیدا میکند یا نمیکند؛

وانگهی آن دستگاه‌هایی که مسئولند، خب بله، میشود تضمین کرد. [البته] تضمین هم شده است یعنی روشن است؛ شاید خود آنها هم میدانند. اصل حرف آنها حرف ناحقی است.

البته ما به تیم مذاکره‌کننده‌مان اعتماد داریم. مطمئنم یقیناً آنها به دست‌اندازی به حقوق کشور و حقوق ملت و کرامت ملت راضی نخواهند شد و اجازه نخواهند داد که چنین کاری انجام بگیرد.

ظرفیت غنی‌سازی

مسئله‌ی ظرفیت غنی‌سازی یک مسئله است که خیلی مهم است؛

تحقیق و توسعه

مسئله‌ی تحقیق و توسعه که قطعاً باید رعایت بشود؛ حفظ تشکیلاتی که دشمن قادر به تخریب آن نیست. روی "فردو" تکیه میکنند، چون غیر قابل دسترسی است برای آنها؛ میگویند جایی که ما نمیتوانیم به آن ضربه بزنیم، نباید داشته باشیم! این خنده‌آور نیست؟

عراق و فتنه

مسئله‌ی عراق در حقیقت
فتنه است. ان شاءالله به
توفیق الهی مردم مؤمن
عراق خواهند توانست این
فتنه را خاموش کنند و از
بین ببرند.

مسئله‌ی آخر، هم مسئله‌ی منطقه است و مسئله‌ی عراق است که در حقیقت فتنه است و ان شاءالله به توفیق الهی مردم مؤمن عراق خواهند توانست این فتنه را خاموش کنند و از بین ببرند. و ان شاءالله ملت‌های منطقه روزبه‌روز رو به رشد و اعتلای مادی و معنوی پیش خواهند رفت.

پروردگارا...

پروردگارا! به محمد و آل محمد از تو می‌خواهیم آنچه گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! ما را بر سعی و تلاش و کار مخلصانه موفق بدار. پروردگارا! به محمد و آل محمد مایه‌ها و موجبات رضایت خود از ما را در اختیار ما قرار بده؛ ما را در این ماه مبارک از رحمت و مغفرت خود محروم مفرما؛ ارواح طیبه‌ی شهیدان را، روح مطهر امام بزرگوار را با اولیاءت محشور بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد ما را جزو بندگان شاکر و صابر خود قرار بده.

والسلام علیکم و رحمۃالله و برکاته

پاورقی:

- ۱- حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی
- ۲- کامل و کافی
- ۳- روزه‌داران
- ۴- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۹۰
- ۵- سوره توبه، بخشی از آیه ۴۹
- ۶- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۵
- ۷- آزاد شدن
- ۸- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۳
- ۹- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۶
- ۱۰- سوره بقره، بخشی از آیه ۱۸۳
- ۱۱- سوره انفال، بخشی از آیه ۲۹
- ۱۲- سوره بقره، بخشی از آیه ۲۸۲
- ۱۳- سوره آل عمران، آیه ۱۷۵
- ۱۴- سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۷۴
- ۱۵- سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۷۵
- ۱۶- سوره بقره، بخشی از آیه ۲۶۸
- ۱۷- سوره نساء، آیه ۱۲۰
- ۱۸- سوره نساء، بخشی از آیه ۱۲۰
- ۱۹- سوره انعام، بخشی از آیه ۱۱۲
- ۲۰- سوره محمد، بخشی از آیه ۷
- ۲۱- از جمله، سوره احزاب، بخشی از آیه ۶۲
- ۲۲- سوره ابراهیم، آیه ۲۴ و بخشی از آیه ۲۵
- ۲۳- سوره ابراهیم، بخشی از آیه ۲۷
- ۲۴- از جمله، دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳
- ۲۵- هواپیمای مسافربری ایران که در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ از بندر عباس عازم دومی بود، در منطقه‌ی غیرنظامی جزیره هنگام با شلیک موشک از ناو آمریکایی وینسنز سرنگون شد و ۲۹۸ سرنشین آن - از جمله ۶۶ کودک زیر ۱۲ سال - به شهادت رسیدند.
- ۲۶- از جمله، دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹
- ۲۷- سوره آل عمران، آیه ۱۳۹
- ۲۸- از جمله، صحیفه‌ی امام، ج ۷، ص ۳۹۳
- ۲۹- سوره فتح، بخشی از آیه ۲۹
- ۳۰- سوره توبه، بخشی از آیه ۱۳۳

سلسله جزوات "سراج" تا کنون



جزوه سراج ۲
راهبرد آینده جبهه حق



جزوه سراج ۱
ترسیم جبهه حق و باطل

کتاب “دغدغه های فرهنگی” :

شرح مبسوط دیدگاه های فرهنگی مقام معظم رهبری پیرامون بحث فرهنگ: اهمیت، جایگاه، چگونگی عمل، باید و نبایدها

فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس میکنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس میکنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد....تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه ی فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. اما آنچه نقطه ی مهم تر عرض من است، خطاب به جوانهایی است که در سرتاسر کشور فعالیتهای فرهنگی را به صورت خودجوش شروع کردند... با اراده ی خودشان، با انگیزه ی خودشان - کارهای بسیار خوبی هم از آنها ناشی شده است که از بعضی از آنها ما بحمدالله اطلاع پیدا کردیم - کار را هر چه میتوانند به طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوانهای مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت، ایفا کرده است.

مقام معظم رهبری در حرم رضوی نوروز ۹۳



کتاب “جهاد اقتصادی” :

چیستی، اهداف و الزامات جهاد اقتصادی در بینات مقام معظم رهبری

نکته ی سوم، تهدیدهای اقتصادی خارجی است. خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله ی هسته ای است، نه مسئله ی حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم میدانند، ما هم میدانیم؛ علت، استقلال خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه ی مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملتهای مسلمان الگو خواهد شد؛ میدانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه ها و میدانها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمی شود گرفت و این یک حرکت مهمی است؛ مسئله این است. (جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰)

ما هر جایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردم تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم؛ نگاه کنید شما از اول انقلاب تا حالا، هر جا ما مردم را آوردیم وسط کار، به نام خدا شروع کردیم و حرکتمان حرکت جهادی بود، ما در آنجا پیروز شدیم.

۹۲/۱۲/۱۵

این کتب را می توانید از:

واژین؛ مرکز تولید و توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛ دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی شهدا، روبروی مسجد لب خندق، تلفن: ۰۶۴۱۲۲۵۴۵۵۶ و ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴ تهیه نمایند.

